



Analyzing the jurisprudential ruling on having children in the face of cultural and social changes

Sayyed Bagher Sadeghi Zaranji^{1*}

1. Corresponding Author, PhD of Qom Seminary (hawza). Qom. Iran. Email: sydbaqr899@gmail.com

Abstract

The role of cultural and social changes in the ruling on childbearing is one of the important issues of the contemporary era. The decline in the population of human societies from ancient times to the present has been a significant concern for family and population policymakers. Today, with the entry of individuals into modern life and their familiarity with Western culture, the issue of childbearing and having children has been neglected by many Islamic families. Many aspects of Western lifestyles, which contradict religious teachings, have infiltrated the lives of Muslims, leading modern Muslim families to hesitate over the issue of childbearing.

Therefore, to clarify the ruling on childbearing and to pay more attention to it—which is the primary function of the family—it is essential to create a proper analytical background and make informed decisions in this regard. The aim of this article is to analyze the role of cultural and social transformations in the ruling on childbearing using descriptive and analytical methods with a critical approach. According to the findings of the research, there is considerable encouragement and promotion for marriage and childbearing in several verses of the Quran and numerous traditions from the Imams (A). Childbearing is regarded as one of the most important objectives of marriage and family formation, and the summary of Quranic and narrational evidence demonstrates its recommended nature as a primary ruling. Given the influence of time and place as secondary rulings, the necessity of the ruling on childbearing also exists, which is shaped under specific conditions by the religious authority.

Keywords: Births, Family, Population, Childbearing, Cultural and Social Changes.

Received:	May 2, 2024	Article Type:	Research Paper
Revised:	May 22, 2024	Published by:	Hazrat-e Masoumeh University
Accepted:	June 6, 2024	DOI:	10.22034/cjls.2024.2039282.1008
Available Online:	July 28, 2024		

واکاوی حکم فقهی فرزندآوری در مواجهه با تحولات فرهنگی و اجتماعی

سیدباقر صادقی زارنجی*

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته سطح چهار (معادل دکتری) حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه:

sydbaqr899@gmail.com

چکیده

نقش تحولات فرهنگی و اجتماعی در حکم فرزندآوری، یکی از مسائل مهم عصر کنونی است. کاهش جمعیت جوامع انسانی از زمان‌های دور تا زمان کنونی، از عمده نگرانی‌های مهم سیاست‌گذاران خانواده و جمعیت بوده است. امروزه با ورود انسان‌ها به زندگی مدرن و آشنایی آن‌ها با فرهنگ جهان غرب، مسئله فرزندآوری و داشتن اولاد مورد بی‌مهری و بی‌توجهی بسیاری از خانواده‌های اسلامی قرار گرفته است؛ به طوری که بسیاری از ظواهر زندگی غربی که مخالف و مغایر با آموزه‌های فقهی بوده، به زندگی مسلمین راه یافته و در نتیجه، خانواده‌های امروزی مسلمانان را در مسئله فرزندآوری با تردید مواجه کرده است؛ از این رو، برای تبیین حکم فرزندآوری و توجه بیشتر به آن، که مهم‌ترین کارکرد خانواده است، لازم است زمینه تحلیل درست و تصمیم صحیح در فرزندآوری برای همگان فراهم گردد. بنابراین، هدف مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد انتقادی، درصدد تحلیل نقش تحولات فرهنگی و اجتماعی در حکم فرزندآوری است. طبق نتایج تحقیق، در بعضی از آیات قرآن کریم و روایات متعدد از حضرات معصومین (علیهم‌السلام)، تشویق و ترغیب فراوانی بر ازدواج و فرزندآوری و تشکیل خانواده شده است. از مهم‌ترین اهداف ازدواج و تشکیل خانواده در بیشتر موارد، فرزندآوری است که جمع‌بندی ادله قرآنی و روایی استجابی بودن فرزندآوری به عنوان حکم اولیه است. با توجه به تأثیر زمان و مکان و اقتضانات آن‌ها به عنوان حکم ثانویه، از دیگر نتایج پژوهش، وجود حکم فرزندآوری است، که فرآیند آن طبق شرایط خاصی از سوی حاکم شرع شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: موالد، خانواده، جمعیت، فرزندآوری، تحولات فرهنگی و اجتماعی.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۰۵/۱۳	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۰۶/۰۲	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (علیهاالسلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۶/۱۷	DOI:	10.22034/cjls.2024.2039282.1008
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۰۸/۰۷		

مقوله «فرزنددارشدن» یک امر طبیعی و مورد تأیید ادله شرعی است و می‌تواند آثار سازنده‌ای در حوزه خانواده، استحکام بنیان آن و ثبات جمعیتی یک کشور داشته باشد. براساس تعالیم اسلامی فرزنددارشدن، یکی از اهداف مسلم زناشویی است. افزون بر آن، حس جاودانگی و امتداد حیات و عشق به فرزند، در طبیعت انسان نهاده شده است. از این رو اصل فرزنددار شدن یک نیاز طبیعی و یک حق برای زوجین به شمار می‌رود و زمینه آن در جسم و روان انسان وجود دارد. امروزه در جامعه ایران خانواده‌ها به جهات مختلف اقتصادی، فرهنگی، عرفی و... از فرزنددار شدن امتناع می‌کنند. گاهی یکی از زوجین برخلاف تمایل طرف مقابل و گاهی هردو به‌طور توافقی از فرزندآوری خودداری می‌نمایند، این امر سبب نگرانی کارشناسان و صاحب‌نظران مبنی بر کاهش جمعیت و دامن‌گیرشدن تبعات آن به کشور شده است. یکی از راهکارهای مهمی که می‌تواند نگرانی مذکور را از بین ببرد، تحلیل و بررسی نقش زمان و مکان و شرایط در حکم فقهی فرزندآوری است. تبیین حکم فقهی اولیه و ثانویه فرزندآوری به سهم خود می‌تواند در ایجاد داعی و الزام زوجین به فرزندآوری مؤثر باشد.

به بیان دیگر: مسئله فرزندآوری و جمعیت را می‌توان از جهات مختلف مورد واکاوی قرار داده و آسیب‌شناسی نمود. اما آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود این است که: اساساً رویکرد آموزه‌های اسلامی به موضوع بررسی نقش زمان و مکان و شرایط در حکم فرزندآوری چه بوده و چه راهکارهایی برای فرزندآوری، پیش روی جامعه اسلامی قرار می‌دهد؟

منشأهای الزام زوجین به فرزندآوری ممکن است مختلف باشد؛ مثلاً: زوجین می‌توانند با قراردادن شروط ضمن عقد، فرزندآوری را به شکل الزام‌آوری در عقد نکاح شرط کنند. همچنین ممکن است الزام فرزندآوری و تکثیر موالید از سوی حاکمیت، متأثر از شرایط زمانی و مکانی و... بوده و بالاجبار، تحت الشعاع قرار گیرد. بشر در ادوار مختلف تاریخ هم گاهی به دلیل بافت سنتی و اجتماعی خاص و همچنین ریشه‌دار بودن اعتقادات افراد، خانواده‌ها، به مسئله‌ی فرزندآوری توجه ویژه‌ای داشتند و حتی در برهه‌هایی از تاریخ هم مبادرت به کنترل نسل و جلوگیری از تکثیر موالید کرده‌اند و همچنین با عنایت به اینکه موضوع مقاله حاضر، فقهی می‌باشد و رابطه نزدیکی با مباحث جامعه‌شناسی و تاریخی

و روان‌شناسی... دارد، ناگزیر در بعضی از موارد، به مباحث مذکور پرداخته شده است. در این پژوهش به دنبال بررسی تأثیرات زمان و مکان و شرایط حاکم بر جامعه در مسئله فرزندآوری هستیم تا ضمن برشمردن نقاط متغایر با موازین شرعی و دینی بتوان آن را مورد واکاوی قرار داد.

۱. خطرات فرهنگی و اجتماعی عدم فرزندآوری و افزایش جمعیت

یکی از موضوعات مهم در بحث فرزندآوری که باید به این امر مهم اکتفا نمود، بحث فرهنگی و اجتماعی در مورد فرزندآوری می‌باشد، به طوری که دشمنان و بدخواهان ما لحظه‌ای آرام ننشستند و دائم در حال برنامه‌ریزی و توطئه علیه کشور ما را در دستور کار خود دارند، یک زمانی غرب، شعار زندگی بهتر فرزند کمتر را در کشور ما فرهنگ‌سازی کرده بود، به طوری که این شعار در میان متدینین و مسئولین طراز اول کشور هم متأسفانه رواج یافته بود، با توجه به اینکه دشمنان اسلام و این مملکت، لحظه‌ای آرام نخواهند نشست و اینکه منتظر فرصت‌اند تا به هر طریق ممکن ضربه خود را بر پیکره این مملکت و مرز و بوم بزنند؛ بنابراین بر امت اسلام و حاکمیت و مسئولین فرهنگی و غیره لازم است نسبت به این مهم عنایت ویژه داشته باشند، چه بسا که هرگونه اهمال و سهل‌انگاری چه از طرف جامعه‌ی اسلامی و چه از طرف خانواده‌ها ضربات جبران‌ناپذیری در بلندمدت بر نظام اسلامی و کشورمان وارد خواهد کرد؛ چرا که دخالت‌های فرهنگی که از طریق نفوذ فرهنگ غربی در میان مردم ارزش‌های اجتماعی را از بین می‌برند، ارزش‌هایی که زایمان را تشویق کرده و به‌کارگیری راه‌های جلوگیری از بارداری را رد می‌کنند و در نتیجه ارزش‌های اجتماعی جدیدی پایه‌ریزی می‌شود که کاهش زایمان و به‌کارگیری راه‌های جلوگیری از بارداری را به دنبال دارد، از آنجا که پشتیبانی مالی برای نفوذ دادن فرهنگ غربی در جوامع اسلامی، خطرات نابودی ارزش‌های اجتماعی را که از دین اسلام سرچشمه می‌گیرند در درون خود دارد، باعث می‌شود تا ارزش‌های اجتماعی در چارچوب نظام بی‌دینی غرب شکل بگیرد. (حسینی تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). بنابراین به نظر می‌رسد اگر زمانی تفکر کاهش جمعیت و تک‌فرزندی در کشور به گفتمان رایج تبدیل شد، آثار و تبعات فرهنگی آن، از جمله عقیم‌سازی زنان و مردان به یک عرف مجاز تبدیل خواهد شد، به طوری که حتی

سقط جنین نیز در نگاه برخی خانواده‌ها مجاز دانسته می‌شود؛ زیرا تنظیم خانواده یک ضرورت دانسته شده و این فرهنگ، موجب می‌شود برخی از خانواده‌ها خلأ انس با فرزند را با انس با حیوانات به ویژه سگ پر کنند و آنچه ارزش نیست را ارزش قرار دهند.

۲. تغییرات در آراء فقهی فرزندآوری در گذر زمان

فرزندآوری در نظام فقه اسلامی، اعم از امامیه و اهل سنت، مطلوب و ضروری است، اما با توجه به اوضاع و احوال کنونی جامعه و تغییرات حکم حکومتی در فرزندآوری و مهار جمعیت، لازم است حکم فرزندآوری و اختلاف میان امامیه و مذاهب اهل تسنن در این باره تبیین شود. در بررسی تطبیقی فرزندآوری می‌بینیم که اهل سنت، هم عالمان قبل از شاطبی همچون ابواسحاق شیرازی، امام الحرمین، غزالی، و هم فقیهان بعد از شاطبی، خاصه عالمان معاصر، در استنباطات فقهی و تأملات اجتهادی در نصوص، قائل به احتساب حفظ نسل به عنوان مقاصد شریعت هستند. برخی عالمان امامیه نیز با نظر به هدفمندبودن شریعت و قبول امکان استخراج مقاصد شریعت از اوضاع حالی و مقالی نصوص و با استعانت از بنای عقلا و دیگر طرق به نحو غیر مصرح، فرزندآوری را از مقاصد شریعت می‌دانند. فرزندآوری به عنوان یکی از ساحت‌های تحقق و تعیین حفظ نسل نزد فقیهان فریقین دارای مصلحت است، که اعم از ملزومه و غیرملزومه است. (ثمنی و دیگران، ۱۸۱-۲۰۰)

گام نخست بررسی این مقوله است که بچه‌دار شدن حکمی الهی است یا حقی برای زوجین. اگر حکمی الهی باشد کسی که ازدواج کرده واجب است صاحب فرزند شود و اجازه ندارد از آن سرپیچی کند و اگر حق انگاشته شود اختیار آن به دست همسران است و باید بدین مسئله پاداخت که این حق به کدام یک از زوجین و به چه نحو تعلق گرفته و چگونه می‌توانند از آن صرف نظر کنند.

تقسیم مجعولات شارع به حق و حکم بر اساس آثاری است که خطاب‌های گوناگون دارد. به نظر فقهاء: اگر از ادله این‌گونه برداشت شود که اراده مکلفان تأثیری بر نتیجه حاصل از آن خطاب ندارد، به آن «حکم» گویند و اگر چنین برداشت شود که اراده مکلفان در نتیجه اثرگذار است آن را «حق» نام نهاده‌اند. این سخن را می‌توان از معروف‌ترین تفاوتی که فقهاء میان حق و حکم گذاشته‌اند نیز به دست آورد و آن عبارت است از اینکه: حق اسقاط شدنی

است؛ ولی حکم اسقاط پذیر نیست. محقق نائینی سید محسن حکیم و بسیاری دیگر از فقهاء این ملاک را پذیرفته‌اند، در عین حال به این ملاک اشکال شده است، از جمله حقّ استمتاع زوج از زوجه، حقّ ولایت حاکم شرع و حقّ پدری به نظر مشهور حقّ است؛ اما اسقاط شدنی نیست. همچنین حقّ فسخ هبه بیشتر این اشکالات در مواردی است که حکم باشد، اما مفاد آن رخصت باشد، یعنی اینکه انسان می‌تواند عملی را انجام دهد. (موسوی، بی تا، ۱۰۱-۱۳۵)

همچنین شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در طول زمان تغییر می‌کنند و این تغییرات می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به فرزندآوری تأثیرگذار باشند. در مقاطعی از زمان که شرایط اقتصادی نامطلوب بوده و نگرانی‌های مالی و تأمین نیازهای روزمره وجود دارد، زوجین ممکن است تصمیم بگیرند تا تعداد کمتری فرزند داشته باشند. در عوض، در دوره‌هایی که شرایط اقتصادی بهبود یافته و امکانات بیشتری در دسترس است، زوجین ممکن است تمایل بیشتری به داشتن فرزند داشته باشند.

در طول تاریخ، مواضع فقهی درباره فرزندآوری تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار گرفته است. در بسیاری از فرهنگ‌ها و مذاهب، فرزندآوری به عنوان وظیفه و مسئولیت اصلی زوج‌ها در نظر گرفته شده است و هدف اصلی آن حفظ و نگهداری خانواده و نسل بعدی است. اما، دیدگاه‌ها و آراء درباره جزئیات و شیوه‌های فرزندآوری در طول زمان تغییر کرده‌اند.

با پیشرفت فناوری و تغییر نگرش‌ها نسبت به مسایل جنسی، روش‌های بسیاری برای باروری و بارورسازی توسعه یافته است و در نتیجه، آراء فقهی درباره این مسائل نیز ممکن است تغییر کند. به طور خلاصه، تغییرات در آراء فقهی مربوط به فرزندآوری در طول زمان به عوامل مختلفی مانند تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فناوری بستگی دارد و در نتیجه، مواضع و آراء فقهی نیز به‌طور و تغییر می‌پیوندند.

خداوند متعال انسان را به گونه‌ای آفرید تا تولید مثل در جامعه بشری به صورت طبیعی کار خود را انجام دهد و نسل‌ها ادامه یابد. انسان‌های اولیه فرزند را به عنوان نیروی کار بسیار محترم می‌دانستند؛ اما با پیش آمدن اوضاع اجتماعی جدید و تغییر نگرش افراد به زندگی، خانواده و فرزند، بسیاری از خانواده‌ها علاقه دارند تا جای که ممکن است

فرزندآوری را کم کنند و به تأخیر بیندازند. از سوی دیگر روش‌های جدید پیشگیری از بارداری، راه را بر این خواسته هموار کرده است. از همین رو مسئله جدیدی میان همسران و فقهاء پیش آمده و آن اختلاف بر سر فرزنددار شدن و احکام فقهی و شرعی آن است و اختلاف نظرهایی میان فقهای پیشین و معاصر در باب فرزندآوری مشاهده می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۹۳، ص ۵۹).

اساس خانواده بر رفق و مداراست؛ اما کم نیست مواردی که مسأله از جنبه دوستانه و خانوادگی، جنبه اختلافی و حقوقی به خود می‌گیرد. این موضوع از آنجا که موضوعی اجتماعی است، اولاً: حالت‌ها و فرض‌های بسیاری می‌یابد که همواره در حال تغییرند و ثانیاً: مسائل اجتماعی سهل و ممتنع‌اند؛ یعنی ظاهر آن قابل فهم، اما واقع آن عمیق و پیچیده است.

جایگاه این مسئله در فقه فرهنگی و فقه خانواده است و می‌تواند در دادگاه‌های خانواده نیز استفاده شود. این مسئله فرض‌ها و حالت‌های بسیار متفاوتی دارد که ممکن است حکم در هر حالت تغییر کند. این مسأله ممکن است در گذشته نیز وجود داشته؛ اما در میان روایات یا فروعی که فقها متعرض آن شده‌اند، دیده نمی‌شود؛ اما اکنون در میان استفتائات مراجع دیده می‌شود و چه‌بسا در آینده بیشتر هم بشود. شاید بتوان سه مرحله را در پیشینه مسئله مورد نظر یافت: ۱. مرحله نخست ریشه‌های اولیه بحث است که می‌توان در روایات و نیز در کتاب‌های فقهاء متقدم در مباحثی مانند حکم عزل آنها را یافت که تا چندین قرن تغییر خاصی در مسئله پدید نیامده و در نتیجه مباحث جدید و خاصی نیز مطرح نشده است. ۲. مرحله دوم به دهه هفتاد شمسی در کشورمان مربوط است که مسئله پیشگیری از بارداری مطرح و بسیار شایع شد. فقهاء نیز ابتدا به اجمال و سپس با تفصیل بیشتر به حکم این مسئله پرداختند. ۳. مرحله سوم نیز با مطرح شدن روش‌های باروری جدید برای افرادی است که به صورت طبیعی بچه‌دار نمی‌شوند. با آغاز این مرحله باز هم برخی مطالب مرتبط مطرح شد و مورد دقت قرار گرفت. گرچه روش‌های بارداری مصنوعی در جامعه پزشکی بحث جدیدی نیست؛ اما در مباحث فقهی عمر آن را نمی‌توان به بیش از دو دهه رساند. (موسوی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۵-۱۰۱).

اصلی‌ترین منابع در بررسی فقهی فرزندآوری، آیات، روایات و سخنان فقهاء در زمینه

پیشگیری از بارداری است، که در لسان روایات منحصر به عزل است. آنچه اکنون بیشتر فقهاء در پاسخ به مسئله اختلاف زوجین بیان می‌کنند، این است که: (یک زوج و فرد نمی‌تواند دیگری را به بارداری ملزم کن). این پاسخ بسیار کلی و ناقص است. حکمت ازدواج، حرث بودن زن، وجوب تمکین او، عیب بودن ناباروری، لزوم مباشرت به معروف و فضای حاکم بر حقوق مرد نسبت به زن مستنداتی است که در وجوب فرزندآوری تأثیرگذارند. بررسی‌ها نشان داد که در موارد خاصی، یکی از همسران به ویژه زوجه نمی‌تواند از فرزنددار شدن خودداری کند؛ اما ادعای یک حکم کلی که زن یا شوهر را ملزم کند به خواست همسر خواهان فرزند تن دهد، قدری سخت است.

۳. دیدگاه فقها بر اساس مؤلفه‌های مکانی و تأثیرگذار در فرزندآوری

حفظ نسل بر مسلمین واجب مؤکد کفایی است، اما تکثیر نسل یا افزایش جمعیت، واجب نیست، هرچند ممکن است گمان شود روایاتی که در این باب رسیده است به واسطه‌ی استفاده از صیغه امر یا امثال آن، ظهور در وجوب دارد، اما مضاف بر اجماع فقها، قرائن موجود در خود این اخبار، مانع از این ظهور است؛ از سوی دیگر دلیلی بر حرمت تحدید نسل نیز در دست نیست. بنابراین مسئله‌ی تکثیر موالید یا تحدید آن، به اصطلاح برخی از فقهای معاصر منطقه‌الفراف است، بر اساس این نگرش دامنه‌ی قلمرو ترخیص اموری است که حکم اولیه‌ی آن اباحه است و ولی امر، بنا به موقعیت زمان و مکانی که در آن واقع است و بر اساس مصالح جاری مسلمین حکم ثانوی آن را تعیین می‌کند.

فرزندآوری از کنش‌های طبیعی بشر و غیر محدود به زمان یا مکان یا افراد خاص است و به دلایل گوناگون در متون مرتبط معمولاً از آن به «حق فرزند آوری» تعبیر می‌شود؛ لکن اولاً: قراین بر تکلیف‌انگاری آن در لسان شارع شاذ نیست و تشخیص ماهیت «زادآوری» را که مسکوت قانون‌گذار است دچار چالش می‌کند و ثانیاً: با فرض در زمره حقوق بودن، حدود و ثغور آن، میزان اختیار افراد در بهره‌مندی یا وانهادن آن، تعارض اراده زوجین و غیره منقح نشده است. (وطنی و همکاران، ۱۴۰۲، صص ۱۷۶-۱۴۵)

ادیان مختلف نیز در مورد فرزندآوری بی‌اعتنا نبوده‌اند و رویکردهایی در این خصوص اتخاذ کرده‌اند که مواضع هریک در قبال ازدواج و نکوهش یا تشویق به انجام آن و همچنین

تقیح یا تحسین فرزندآوری در رفتار پیروانشان و نیز جمعیت آنان مؤثر بوده است. گاهی نیز حکومت‌ها به اقتضای مصالح حکومتی سیاست‌های کاهش یا افزایش جمعیت پیشه کرده‌اند. علاوه بر آن، پیشرفت علم راه‌کارهای متفاوتی برای افرادی که به هر دلیلی از نعمت آموزه‌های دینی و تعصبات مذهبی فرزندآوری محروم مانده‌اند به ارمغان آورد، که بعضاً ناهمگون می‌نموده است و این تعارضات مباحث علمی و فنی فراوانی را موجب شد؛ لکن حق دانستن فرزندآوری، از جانب بسیاری از صاحب نظران، توجیه‌کننده تمسک به این روش‌ها شده است. سکوت قانون در قبال این موضوع و خلاء قانون یا قوانین مرتبط و اختلاف نظر عالمان فقه در خصوص فرزندآوری و تناسل و جایگاه آن در نهاد خانواده این مسئله را تشدید کرده است. به هر حال آنچه در این مقال مورد توجه است، شناخت ماهیت این مقوله از حیث حق یا تکلیف بودن و بازه اختیار و قدرت تصمیم‌گیری افراد در خصوص این پدیده و نیز موضع فقه در قبال مسائل گفته شده است.

فرهنگ و ارزش‌های مختلف در جوامع مختلف بر تصمیمات مربوط به فرزندآوری تأثیرگذار هستند. در برخی فرهنگ‌ها، داشتن فرزندان بسیار مهم و ارزشمند تلقی می‌شود و در برخی دیگر، تعداد کمتری فرزند مورد ترجیح قرار می‌گیرد. همچنین نظام سیاسی، نهادها و قوانین هر کشور نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند. به عنوان مثال: در برخی کشورها، سیاست‌های دولتی به منظور تشویق به تولید فرزند و پشتیبانی از خانواده‌ها وجود دارد. شرایط اقتصادی نامطلوب، نداشتن تأمین مالی کافی، دسترسی به بهداشت و آموزش مناسب، وجود بیماری‌های واگیر و... می‌توانند عواملی باشند که زوجین را از تصمیم به داشتن فرزند باز می‌دارند.

دیدگاه فقهاء در مورد عوامل محلی و تأثیرگذار در تصمیم به فرزندآوری، ترکیبی از ملاحظات شرعی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. در اینجا یک پاسخ جامع و دقیق ارائه شده است:

۱. ملاحظات شرعی: فقهاء بر اساس متون دینی و اصول فقهی، به بررسی وظیفه و مسئولیت فرزندآوری می‌پردازند. آنها عواملی مانند توانایی والدین برای تربیت فرزندان در یک محیط اسلامی، تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها، و تأثیر فرزندآوری بر سلامت مادر را مورد توجه قرار می‌دهند.

۲. عوامل اجتماعی: جامعه‌شناسان و فقهاء به بررسی نقش عوامل اجتماعی مانند:

سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی، دسترسی به خدمات بهداشتی و مراقبتی، و هنجارهای اجتماعی مربوط به فرزندآوری می‌پردازند.

۳. عوامل فرهنگی: فرهنگ محلی و سنت‌ها نیز در تصمیم به فرزندآوری مؤثر هستند. فقهاء تأکید می‌کنند که فرزندآوری باید با رعایت ارزش‌ها و آداب محلی صورت گیرد، به طوری که همخوانی با اصول و مقررات دینی داشته باشد.

۴. تأثیرات محیطی و اقتصادی: عوامل محیطی مانند آلودگی، دسترسی به آب و هوای سالم، و شرایط اقتصادی کلان و خرد نیز در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری دخیل هستند. فقهاء بر اهمیت ایجاد شرایط مناسب برای رشد و پرورش نسل‌های آینده تأکید می‌نمایند.

۵. تأثیرات سیاسی و قانونی: قوانین و مقررات محلی که ممکن است بر تصمیم به فرزندآوری تأثیر بگذارند، مانند قوانین مربوط به حقوق والدین، مرخصی زایمان، و حمایت‌های دولتی برای خانواده‌ها، نیز مورد توجه فقهاء قرار می‌گیرد.

در نهایت، فقهاء تأکید نموده‌اند که تصمیم به فرزندآوری باید با در نظر گرفتن تمامی این عوامل و با هدف تأمین بهترین شرایط برای فرزندان و خانواده صورت پذیرد. این دیدگاه نشان دهنده تعادل بین مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و همچنین تأکید بر اهمیت رعایت اصول اخلاقی و دینی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فرزندآوری است.

در فقه اسلامی، قواعد متعددی وجود دارد که بر تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری تأثیر می‌گذارد. این قواعد با تأکید بر نقش زمان و مکان، به شرح زیر است:

۱. قاعده الفراش: این قاعده بیان می‌کند که فرزند متعلق به زوجینی است که در زمان تولد کودک با هم ازدواج کرده‌اند. این قاعده نشان‌دهنده اهمیت ثبات خانوادگی و اجتماعی در زمان تولد کودک می‌باشد.

۲. قاعده نفی الضرر: این قاعده تأکید دارد که نباید به خود یا دیگران ضرر رسانید. در مورد فرزندآوری، این به این معناست که والدین باید از تولد کودکان، در شرایطی که به آنها ضرر می‌رسد، خودداری کنند.

۳. قاعده استصلاح: این قاعده بر اهمیت اصلاح و بهبود شرایط زندگی تأکید دارد. والدین باید شرایطی را فراهم آورند که در آن فرزندان بتوانند به بهترین شکل ممکن رشد کنند.

۴. قاعده‌ی تقلید: این قاعده بیان می‌دارد که افراد باید از علمای دینی پیروی کنند. در مورد فرزندآوری، به این معناست که والدین باید دیدگاه‌های فقهی مربوط به زمان و مکان خود را در نظر بگیرند.

۵. قاعده‌ی توسعه و تضییق: این قاعده به تغییرات در احکام دینی بر اساس شرایط زمانی و مکانی اشاره دارد، که می‌تواند شامل تسهیل در شرایط سخت یا تشدید در شرایط آسان باشد.

۶. قاعده‌ی العدل و الإحسان: این قاعده بر عدالت و نیکی در تمام اعمال تأکید دارد. در مورد فرزندآوری، مطلب فوق‌الذکر به این معناست که والدین باید به طور عادلانه و با مهربانی با فرزندان خود رفتار نمایند.

۷. قاعده‌ی الضرورات تبیح المحظورات: این قاعده بیان می‌کند که در شرایط ضروری، اعمالی که معمولاً ممنوع هستند می‌توانند مجاز شوند. که می‌تواند بر تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری، در شرایط خاص تأثیر بگذارد.

قواعد ذکر شده، نشان‌دهنده‌ی اهمیت در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی در تصمیم‌گیری‌های فقهی است و بر این نکته تأکید دارد که، احکام دینی باید با توجه به شرایط متغیر اجتماعی و فرهنگی، تفسیر و اجرا شوند. والدین و جامعه باید قواعد فوق‌الذکر را به گونه‌ای به کار برند که به بهترین شکل ممکن، نیازهای فرزندان و جامعه پاسخگو باشند.

۴. رابطه‌ی تزئید موالید و آراء فقهی

موالید از جمع ولد، به معنای فرزند با واژه موالید نام برده می‌شود؛ خواه فرزند انسان باشد و یا غیر آن، بر مذکر و مؤنث، تثنیه و جمع نیز موالید اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۸۸۳) با تعمق در مجموعه آیات و روایات می‌توان اذعان داشت، منظومه‌ی فکری و راه‌بردی شریعت اسلام، در زمینه‌ی جمعیت، به شکل یک قضیه‌ی حقیقی و به صورت یک خط مشی دائمی و همیشگی، همان تکاثر کمی و کیفی جمعیت، به منظور افزایش قدرت و توان جامعه‌ی اسلامی و استقرار دین حق بوده است. همچنین به اقتضای درک قطعی عقل، مطلوبیت تکثیر نفوس را می‌توان برداشت نمود و چنین استنباط کرد که تحدید نسل مؤمنین، زمانی که موجب تضعیف اسلام گردد و امنیت ملی را به مخاطره اندازد، نه تنها

جایز نیست، بلکه تکثیر موالید ضروری و لازم است. (سلطان محمدی و سلطان محمدی، ۱۴۰۰، صص ۹۷-۱۲۶) در ادامه به برخی از قواعد مهم فقهی و اصولی که با تکثیر نسل ارتباط وثیق‌تری دارند، اشاره می‌نماییم. ملاحظه خواهیم نمود که برخی بر مطلوبیت تکثیر موالید اشاره خواهند داشت و برخی دیگر نیز ضرورت آن را بیان خواهند کرد.

حکم ضرری در شرع اسلام منتفی است و با وقوع عنوان ضرر، حکم اولی مرتفع و حکم دیگری جایگزین آن می‌گردد. بر اساس این تفسیر، تحدید نسل از صغریات قاعده‌ی مزبور می‌باشد و اگر در عصر حاضر حکم به اباحه‌ی آن شود، از آن‌جا که ضرر و زیان ناشی از آن امری مسلم است، از باب نفی حکم ضرری، حکم اباحه‌ی آن برداشته شده و حرام می‌گردد. از این‌رو، از باب نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری حرام است. ضرری که در اینجا مصداق دارد، ضرر سالمندشدن جمعیت ایران و آثار سوء سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کاهش جمعیت می‌باشد. لذا بر مبنای قاعده‌ی لاضرر، همگان باید به فرزندآوری تشویق شوند و سیاست‌های محدودکردن جمعیت باید متوقف شود. به‌علاوه این که در سطح کلان تحدید نسل و عوارض سوء آن، تضعیف نظام را به دنبال خواهد داشت که به عنوان ضرری مهم می‌باشد. (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۵۴)

حفظ نسل با تکثیر نسل تفاوتی آشکار دارد؛ چراکه حفظ نسل بر مسلمین واجب مؤکد کفایی است، اما تکثیر نسل یا افزایش جمعیت و فرزندآوری واجب نمی‌باشد؛ اگرچه ممکن است گمان شود روایاتی که در این باب وارد شده است، به واسطه‌ی استفاده از صیغه‌ی امر یا امثال آن، ظهور در وجوب دارد، اما باید توجه داشته باشیم مضاف بر اجماع فقهاء، قرائن موجود در خود این اخبار، مانع از این ظهور است. از سوی دیگر، دلیلی بر حرمت تحدید نسل نیز در دست نمی‌باشد. لذا مسأله‌ی تکثیر موالید یا تحدید آن، به اصطلاح برخی از فقهای عظام معاصر از جمله موارد منطقه‌الفراغ است. (شهید صدر، ۱۳۷۶، ص ۳۷۹) بر اساس این رویکرد حکم اولیه‌ی این موضوع اباحه خواهد بود، اما بنابر موقعیت زمان و مکان عصر حاضر که در آن واقع شده‌ایم و بر اساس مصالح جاری عموم مسلمین، حکم ثانوی آن تعیین خواهد شد. (زمانی و امیدفرد، ۱۳۹۴، ص ۶۵۱).

در حالت اضطرار، به موجب «الضرورات تبيح المحظورات» در مواردی از قبیل: درمان نازایی و ناباروری که ضرورتی فردی و اجتماعی دارد، حرمت نگاه و لمس برداشته شده و

می‌تواند، حتی برای درمان، از اسپرم بیگانه نیز استفاده کند. (رحمانی منشادی، ۱۳۸۷، صص ۱۸۰-۱۸۱) از این رو ضرورت‌ها، محرّمات را در هر درجه‌ای که باشند، مباح می‌سازند. (رشتی، ۱۳۲۲، ص ۴۲) افزون بر این حکم به عدم جواز این عمل، خلاف قاعده است که نیازمند نصّ صریح شارع یا دلیل قطعی می‌باشد. به تشخیص اهل خبره، در عصر حاضر افزایش جمعیت ضرورت دارد. اگرچه افزایش نسل به عقیده هیچ‌کس جزء واجبات نیست، اما در مناطقی که تغییر بافت جمعیتی به زیان مسلمین یا پیروان مکتب اهل بیت باشد، برنامه کنترل موالید باید تعطیل شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۳)

رابطه‌ی بین تزئید موالید و آراء فقهی در مورد فرزندآوری به عنوان یک مسئله‌ی پیچیده و چند جانبه مطرح می‌شود. در فقه اسلامی، فرزندآوری به عنوان یک وظیفه‌ی مهم شناخته شده است که اصول و ضوابطی برای آن وجود دارد. از دیدگاه فقهی، موالید به عنوان نتیجه‌ی فرزندآوری در نظر گرفته می‌شوند.

آراء فقهی درباره‌ی فرزندآوری ممکن است در موارد مختلفی تفاوت داشته باشد. برخی از مکتب‌های فقهی معتقدند که فرزندآوری در هر شرایطی مجاز است و مسئولیت انتخاب روش فرزندآوری بر عهده‌ی زوجین می‌باشد. اما برخی دیگر از آراء فقهی ممکن است محدودیت‌هایی برای فرزندآوری در موارد خاص، مانند: زندگی جنسی خارج از ازدواج یا استفاده از تکنولوژی‌هایی که مصالح طبیعی را نادیده می‌گیرند، اعمال کنند.

رابطه‌ی بین تزئید موالید و آراء فقهی مطرح شده در مورد مسئله‌ی فرزندآوری به معنای این است که، آیا تعداد موالید و تعلّقات خانوادگی باید با آراء و اصول فقهی در تعامل باشد یا خیر؟ از منظر برخی مکتب‌های فقهی، افزایش موالید و تکثیر نسل به عنوان یک وظیفه‌ی مهم شناخته شده است. براین اساس تشویق به زیادشدن فرزندان از طریق ترویج ازدواج، و حفاظت در خانواده، می‌تواند از آراء و ضوابط فقهی معتبری برخوردار باشد. اما در عین حال، برخی دیگر از آراء فقهی تأکید دارند تعداد موالید باید با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سلامتی زوجین تعیین شود. آن‌ها معتقدند که زوجین باید با توجّه به توانایی مالی، آمادگی روحی و قدرت برقراری تعهدات خانوادگی، تصمیم گیرند که چند فرزند داشته باشند و از آن‌ها مراقبت کنند. به طور کلی، تزئید موالید و آراء فقهی در مورد فرزندآوری به تفسیرات و آراء مختلف فقهاء و علمای دینی بستگی دارد.

۵. شرایط و عوامل تاثیرگذار بر فرزندآوری

شرایط مختلفی مانند سن، وضعیت شغلی و اجتماعی، سلامت جسمی و روانی و دیگر شرایط شخصی می‌توانند در تصمیم‌گیری زوجین برای فرزندآوری تاثیرگذار باشند.

بر اساس مطالعات، در زوجین ایرانی تمایل به فرزندآوری، تحت تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی جامعه، سن زنان هنگام ازدواج، تعداد فرزندان، سن همسر، سن زنان به هنگام اولین بارداری، اشتغال زنان، خودحمایتی (جسمانی، اجتماعی، روانی)، عدم وجود تسهیلات رفاهی از جانب دولت‌ها، برخی نگرش‌های نادرست، داشتن تحصیلات بالا، فناوری‌های نوین داده‌ای و ارتباطاتی، می‌باشد. به طوری که مشکلات مالی، مسکن، تجربه‌ی ناخوشایند از تعداد زیاد اعضای خانواده، بالا بودن هزینه‌های فرزندآوری و سن بالا در زمان ازدواج، باعث انتخاب استراتژی تک فرزندی است. کاهش نرخ باروری و به هم ریختگی در توازن سنی کشور، می‌تواند آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی جبران‌ناپذیری بر کشور وارد نماید. تجدید نسل از موضوعاتی است که نیازمند بستر مناسب بوده، که با مهیا کردن شرایط آن می‌توان زوجین را به فرزندآوری ترغیب نمود. (رخشانی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۲۵)

تصمیم برای بچه‌دار شدن تحت تاثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد، که به روش‌های پیچیده‌ای با هم در تعامل هستند. در این جا توضیح مفصلی از شرایطی که بر فرزندآوری تاثیر می‌گذارد آورده شده است:

۱. عوامل بیولوژیکی: سن و سلامت هر دو والدین می‌تواند به طور قابل توجهی بر باروری و سلامت کودک تاثیر بگذارد. استعدادهای ژنتیکی و شرایط ارثی نیز نقش بسزایی دارند.

۲. شرایط اقتصادی: ثبات مالی، بسیار مهم است. هزینه‌های تربیت کودک، از جمله مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و نیازهای اساسی، می‌تواند بر تصمیم‌گیری تاثیر عمیقی بگذارد.

۳. عوامل فرهنگی، اجتماعی: هنجارهای فرهنگی، انتظارات اجتماعی و باورهای مذهبی می‌توانند، نگرش نسبت به تعداد فرزندان و زمان بچه‌دار شدن را شکل دهند.

۴. شرایط محیطی: دسترسی به آب سالم، کیفیت هوا و شرایط زندگی ایمن، عوامل محیطی هستند که می‌توانند بر سلامت مادر و کودک تاثیرگذار باشند.

۵. عوامل روانشناختی: بهزیستی روانی والدین، ثبات روابط آن‌ها و تمایل به فرزندان، جنبه‌های روان‌شناختی است که به فرآیند تصمیم‌گیری کمک می‌کند.

۶. پیشرفت‌های فنی و پزشکی: در دسترس بودن فناوری‌های باروری و کیفیت مراقبت‌های دوران بارداری و پس از زایمان می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها در مورد فرزندآوری تأثیرات بسیاری بگذارد.

۷. چهارچوب‌های حقوقی و خطّ مشی: سیاست‌های دولت در مورد مرخصی والدین، حمایت از مراقبت از کودک و حقوق باروری می‌تواند فرزندآوری را تشویق یا منع نماید.

۸. سطح تحصیلی: سطوح بالاتر تحصیلات اغلب با تأخیر در فرزندآوری و تعداد فرزندان کمتر مرتبط است، زیرا افراد ممکن است ابتدا پیشرفت شغلی و شخصی را در اولویت قرار دهند.

۹. تعادل بین کار و زندگی: توانایی ایجاد تعادل بین زندگی حرفه‌ای و شخصی، از جمله حمایت کارفرمایان برای مرخصی والدین و ساعات کاری انعطاف‌پذیر، نکته قابل توجهی است.

۱۰. مسائل جهانی: مسائل گسترده‌تری مانند جمعیت زیاد، تغییرات آب و هوا و بیماری‌های همه‌گیر جهانی نیز می‌توانند بر تصمیمات فردی در مورد فرزندآوری تأثیر گذار باشند.

هر یک از این شرایط به صورت مجزّا عمل نمی‌کند، بلکه با دیگران در تعامل است و شبکه‌ی پیچیده‌ای از ملاحظات را ایجاد می‌کند که افراد یا زوج‌ها هنگام تصمیم‌گیری برای بچه‌دار شدن به آن توجه می‌کنند. درک این عوامل نه‌تنها برای والدین آینده، بلکه برای سیاست‌گذاران و جامعه به عنوان یک کل بسیار مهم است، زیرا آنها چشم‌انداز جمعیتی آینده را شکل می‌دهند.

عوامل مختلفی بر فرزندآوری زوجین نقش دارند که عوامل اعتقادی، فردی، خانوادگی، اجتماعی از تسهیل‌کننده‌ها و عوامل جمعیت‌شناختی، اقتصادی، خودخواهانه، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عوامل مرتبط با سلامتی موانع فرزندآوری می‌باشند. بدون توجه به مشکلات و انتظارات جامعه، نمی‌توان انتظار افزایش جمعیت در کشور را داشت. (عراقیان و

۶. سیاست‌های نظام اسلامی و تاثیر تهاجم فرهنگی غرب در فرزندآوری

این روزها دیگر کمتر زوجی را می‌توان پیدا کرد که رغبتی برای داشتن چندین فرزند داشته باشند و اگر زوجی هم باشد که این توانایی را در خود ببیند بعید است که در برابر حرف و کنایه‌هایی که در مذمت داشتن چند فرزند می‌شنود مقاومت کند؛ معمولاً تلقین ناتوانی در تأمین مالی فرزندان، ناتوانی در تربیت صحیح، عدم تأمین مسکن مناسب برای سکونت خانواده‌ای پرجمعیت و تبعات اجتماعی آن مانند: عدم برخورداری از برخی حقوق و حتی تأکید بر به‌روز نبودن چنین خانواده‌هایی، اهرم‌هایی است که در سال‌های اخیر زوجین را از ناحیه‌ی خانواده و اجتماع، به عدم فرزندآوری و عدم تعدد فرزند ترغیب کرده است.

در کنار سیاست‌های غلطی که در سال‌های پس از انقلاب اتخاذ شده و امروزه نتیجه‌ی غیرمنطقی بودن و آینده‌نگر نبودن شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را از زبان تقریباً مسئولان بزرگ کشور می‌شنویم، عدم توجه به توصیه‌های دینی و مذهبی از یک‌سو و الگوپذیری واهی از سبک زندگی غربی‌ها از سوی دیگر، وضعیّت جمعیت را به جایی رسانده که نگرانی‌ها نسبت به پیرشدن سریع جمعیت اعلام و ضرورت تغییر در سیاست‌های جمعیتی در دستور کار قرار گیرد.

با اجرای سیاست «فرزند کمتر، زندگی بهتر» ترویج فرهنگ تک‌فرزندی در کشور که به گفته بسیاری از کارشناسان بخشی از سیاست‌های استعمارگران برای از هم پاشیدن نسل‌های کشورهایی که با آنها در تقابل هستند است، خانواده‌های ایرانی پذیرفتند که مانند غربی‌ها و بدون توجه به توصیه‌های دینی، به یک یا دو فرزند اکتفا کنند؛ متأسفانه با وجود این‌که بسیاری از خانواده‌ها در این زمینه تیت خیر و دغدغه‌های قابل قبولی، چون کنترل و نظارت بهتر و بیشتر بر فرزندان و در نهایت تربیت مناسب آنها را داشتند، اما سرانجام پا در مسیری گذاشتند که مسئولان کلان کشور را به تکاپو انداخت تا در سیاست‌های جمعیتی کشور تغییر ایجاد کنند تا جلوی رشد منفی و پیر جمعیت کشور گرفته شود.

۷. تغییرات در آرای فقهی فرزندآوری از منظر فقهی

فرزندآوری از کنش‌های طبیعی بشر و غیر محدود به زمان یا مکان یا افراد خاص است و به دلایل گوناگون در متون مرتبط معمولاً از آن به «حق فرزندآوری» تعبیر می‌شود؛ لکن اولاً:

قراین بر تکلیف‌انگاری آن در لسان شارع شاذ نیست و تشخیص ماهیت «زادآوری» را که مسکوت قانون‌گذار است دچار چالش می‌کند و ثانیاً: با فرض در زمره حقوق بودن، حدود و ثغور آن، میزان اختیار افراد در بهره‌مندی یا وانهادن آن، تعارض اراده زوجین و غیره منتقح نشده است. علی‌رغم تصریح برخی فقهاء به حق زن در استیلا، عدم التزام ایشان به لوازم آن و ترجیح اراده زوج در فرض تعارض، اثبات در زمره «حقوق زن» بودن فرزندآوری را مشکل می‌نماید. ظاهر عبارات متون دینی نیز در فرض اثبات چنین حقی برای زن، آن را در طول حق فرزندآوری مرد قرار می‌دهد. از نظر بیشتر فقهای معاصر، رضایت شوهر شرط پیشگیری از بارداری است و زن حق ندارد بدون اجازه شوهرش چنین کاری کند. برای اساس می‌توان گفت صاحب فرزند شدن حقی برای مرد است و زن نمی‌تواند او را از این حق محروم کند، مگر حالت‌های خاصی مانند ضرر وجود داشته باشد. (وطنی، ۱۴۰۲، صص ۱۷۶-۱۴۵)

برخی از مراجع تقلید معاصر مانند: آقای ناصر مکارم شیرازی برآنند که: اگر زوج تمایل به فرزندآوری داشته باشد، زوجه حق جلوگیری از بارداری ندارد؛ مگر آنکه بارداری برای وی ضرر داشته یا با مشقت غیرمتعارف همراه باشد. در مقابل، برخی مراجع مانند آقای سید علی سیستانی معتقدند زوجه می‌تواند به اختیار خود از بارداری جلوگیری نماید هرچند زوج راضی نباشد؛ البته با این شرط که جلوگیری از بارداری ضرر مهمی برای زن نداشته و باعث تضییع حقوق زناشویی زوج نگردد.

میان فقهای امامیه در اینکه فرزندآوری جزء ماهیت شرعی و مقتضای ذات عقد نکاح محسوب نمی‌شود، اختلافی نیست، لیکن درباره اقتضای اطلاق آن، دیدگاه‌های فقیهان متفاوت است:

۱. فرزندآوری از مقتضای اطلاق عقد نکاح تلقی می‌شود، اما این حق فقط به زن اختصاص دارد؛

۲. فرزندآوری از مقتضای اطلاق عقد ازدواج به شمار نمی‌آید و تنها پشتوانه قانونی طرح دعوی قضایی در این خصوص این است که: فرزندآوری در ضمن عقد نکاح یا بر اساس تبانی عقد بر پایه آن به یک ضمانت الزام‌آور تبدیل گردد. (قراملکی و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۱۲۵-۱۴۰)

فرزندآوری در نظام فقه اسلامی، اعم از امامیه و اهل سنت، مطلوب و ضروری است، اما با توجه به اوضاع و احوال کنونی جامعه و تغییرات حکم حکومتی در فرزندآوری و مهار جمعیت، لازم است حکم فرزندآوری و اختلاف میان امامیه و مذاهب اهل تسنن در این باره تبیین شود. در بررسی تطبیقی فرزندآوری می‌بینیم که اهل سنت، هم عالمان قبل از شاطبی همچون ابواسحاق شیرازی، امام الحرمین، غزالی، و هم فقیهان بعد از شاطبی، خاصه عالمان معاصر، در استنباطات فقهی و تأملات اجتهادی در نصوص، قائل به احتساب حفظ نسل به عنوان مقاصد شریعت هستند. برخی عالمان امامیه نیز با نظر به هدفمند بودن شریعت و قبول امکان استخراج مقاصد شریعت از اوضاع حالی و مقالی نصوص و با استعانت از بنای عقلا و دیگر طرق به نحو غیر مصرح، فرزندآوری را از مقاصد شریعت می‌دانند. فرزندآوری به عنوان یکی از ساحت‌های تحقق و تعیین حفظ نسل نزد فقیهان فریقین دارای مصلحت است که اعم از ملزومه و غیر ملزومه است. (ثمنی و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۲۰۰-۱۸۱)

بر متولیان اجتماع واجب است نسبت به مقدمات و شرایط فرزندآوری در زوجین اقدام نمایند ولی اگر فرزندآوری موجب ضرر یکی از زوجین شود طبق قاعده لاضرر فرزندآوری حرام است چرا که در اسلام ضرر و اضرار نهی شده است.

تغییرات در نظرات فقهی در مورد فرزندآوری از دیدگاه فقهی، بازتابی از تحولات اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی است که در طول زمان رخ داده است. در اینجا به بررسی دقیق این تغییرات می‌پردازیم:

۱. تغییرات اجتماعی و اقتصادی: در گذشته، فرزندآوری به عنوان یک وظیفه دینی و اجتماعی برای تضمین بقای خانواده و جامعه تلقی می‌شد. با این حال، با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، مانند افزایش هزینه‌های زندگی و تغییر نقش‌های جنسیتی، نظرات فقهی نیز تطور یافته و به سمت تأکید بر کیفیت زندگی و تربیت فرزندان به جای تعداد آنها سوق داده شده است.
۲. پیشرفت‌های پزشکی: با پیشرفت‌های پزشکی، مانند فناوری‌های کمک باروری و بهبود خدمات بهداشتی، فقها به بررسی مسائل جدیدی مانند استفاده از روش‌های کمک باروری و مسائل اخلاقی مرتبط با آن پرداخته‌اند.

۳. تغییرات فرهنگی: فرهنگ‌های مختلف نگرش‌های متفاوتی نسبت به فرزندآوری دارند. با تغییرات فرهنگی و جهانی‌شدن، فقها به ارزیابی و تطبیق نظرات فقهی با ارزش‌های جدید و متنوع فرهنگی پرداخته‌اند.

۴. مسائل محیطی: با افزایش آگاهی در مورد تغییرات اقلیمی و مسائل زیست‌محیطی، فقها به بررسی تأثیر فرزندآوری بر محیط زیست و نیاز به مسئولیت‌پذیری در این زمینه پرداخته‌اند.

۵. تأثیرات سیاسی و قانونی: قوانین و مقررات محلی و بین‌المللی می‌توانند بر تصمیم به فرزندآوری تأثیر بگذارند. فقها به بررسی این تأثیرات و تطبیق نظرات فقهی با قوانین جدید پرداخته‌اند.

در نتیجه، نظرات فقهی در مورد فرزندآوری با توجه به تغییرات جامعه و نیازهای جدید، تکامل یافته‌اند. فقها به تلاش برای ارائه راهنمایی‌هایی می‌پردازند که هم با اصول دینی همخوانی دارند و هم پاسخگوی نیازهای جهان معاصر هستند، ضمن اینکه از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی حمایت می‌کنند. این تغییرات نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و توانایی فقه در پاسخگویی به چالش‌های جدید است.

بیشتر فقهای امامیه نکاح را به استیلا و فرزندآوری مقید نکرده‌اند و آیات و روایات مربوط به نکاح نیز در الزام به فرزندآوری ظهور ندارند. مطالعه متون فقهی نشان می‌دهد که فرزندآوری جزء ماهیت شرعی و مقتضای اطلاق عقد نکاح محسوب نمی‌شود و اینکه فرزندآوری در خود ماهیت شرعی عقد نکاح نیست، در میان فقهای امامیه از شهرت فتوایی برخوردار است. (رهنما و امیدی فرد، ۱۳۹۴، صص ۶۷۰-۶۴۹) مشکلات مالی، اشتغال، عدم توانایی در تأمین مسکن از جمله مشکلات و توجیهاتی است که جوانانی که از سطح مالی خوبی برخوردار نیستند، برای به تأخیر انداختن ازدواج و فرزندآوری مطرح می‌شود، اما رسوخ این تفکر در بین زوجین و خانواده‌هایی که از تمکن مالی خوبی برخوردار هستند، این ادعا را تأیید می‌کند که خودداری از ازدواج و فرزندآوری بیشتر از آنکه نتیجه مشکلات مالی باشد، حاصل ترویج فرهنگی است که شاید بسیاری از کسانی که ایرانیان از آنها الگو برداری می‌کنند هم اعتقادی به آن نداشته باشند.

در حال حاضر بسیاری از جوانان با الگو قرار دادن ورزشکاران و هنرمندان داخلی و

خارجی مجرد یا بدون فرزند، اینگونه برداشت می‌کنند که آنها از بهترین سبک زندگی برخوردار هستند و هرآنچه آنها انجام می‌دهند بهترین رفتار است، اما نه تنها از زوایای شخصی این الگوها باخبر نیستند، بلکه دایره نگاه خود را صرفاً محدود به این افراد کرده‌اند و سایر شخصیت‌های مشهوری که برخلاف نگرش آنها و بعضاً مطابق با آموزه‌های دینی ما رفتار می‌کنند را نمی‌بینند.

جلوگیری از زاد و ولد در کشورهای متقابل با استعمارگران، یکی از سیاست‌های درازمدت کشورهای غربی است، که حتی بسیاری از این سیاست‌ها و برنامه‌ها از طریق سازمان‌های زیرمجموعه سازمان ملل در راستای کنترل جمعیت اجرا می‌شود. اما در حالی که در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته، داشتن فرزند کمتر به تأسی از جوامع غربی نوعی همگام‌شدن با تمدن محسوب می‌شود، اما نگاهی به زندگی برخی چهره‌های شناخته شده غربی حاکی از این است که، این سیاست‌ها چندان هم در کشورهای سیاست‌گذار اجرا نمی‌شود. آزادی بی‌حد و حصر یکی از پیام‌های فیلم‌های هالیوودی است، اما زندگی شخصی بسیاری از هنرمندان هالیوود هم نشان داده که تحمل آزادی بی‌قید و شرط چندان هم آسان نیست و در نهایت تن به ازدواج و تشکیل خانواده می‌دهند و برای خود چهارچوب تعیین می‌کنند.

وجود فرزندان که یکی از سیاست‌های نظام اسلامی بوده و عامل اقتدار و نیرومندی والدین و جامعه می‌باشد. روایات اسلامی و سبک زندگی ایرانی نشان می‌دهد که فرزند، عامل اقتدار و بازوی توانای والدین در شرایط سخت زندگی است. امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: «... تَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ... از برکات ازدواج اندوختن فرزند برای (روبارویی با) سختی‌های روزگار و پیامدهای زمانه است». (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۷۳) به این جهت قرآن کریم داشتن مال و فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار می‌داند و می‌فرماید: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»، «سپس غلبه و تسلط بر آنها را به شما باز می‌گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندان یاری می‌کنیم و از حیث نفرت، بیشتر از آنها قرار می‌دهیم». (اسراء، ۶)

از نظر امام خمینی، اقتدار ملی در پیوستگی حکومت و مردم است. ایشان معتقدند یک دولت در صورتی می‌تواند مقتدر باشد که مورد حمایت مردم بوده و به توانایی‌های آنها

متکی باشد. امام قوای نظامی و انتظامی را مهم می‌دانند، اما قدرت قوای نظامی را تابع پیوستگی آنان با مردم و تواضع و خدمتگزاری در قبال آنان می‌دانند. از نظر ایشان، اگر مردم حامی قوای انتظامی نباشند و از آنان بترسند، این ضعف قدرت است: «این الآن برای شما و ما و همه‌ی قشرهای دولت و ملت و خصوصاً قشرهایی که قوای انتظامی هستند، این باید یک سرمشق و یک الگو باشد که ببینیم که یک قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد، این قدرت نمی‌تواند بایستد سرپای خودش. یک قدرت و لو بزرگ نباشد، اگر پایگاه ملی داشته باشد، این غلبه می‌کند. کوشش کنید که پایگاه ملی برای خودتان درست کنید. این برای این است که گمان نکنید که شما صاحب مقام هستید، منصب هستید، باید به مردم فشار بیاورید. هر چه صاحب منصب ارشد باشد باید بیشتر خدمتگزار باشد. مردم بفهمند که هر درجه‌ای که این بالا می‌رود با مردم متواضع‌تر می‌شود. اگر یک هم‌چو کاری شد و یک چنین توجهی به مسائل شد و یک هم‌چو عبرتی از تاریخ برای ما شد، هر قوه‌ای پایگاه ملی پیدا می‌کند و پایگاه ملی حافظ اوست؛ حفظ می‌کند او را شهربانی هر شهری اگر چنانچه در خدمت مردم باشد، این طور نباشد که مردم وقتی اسم کلانتری را بشنوند بلرزند به خودشان! وقتی بخواهند بروند طرف کلانتری مثل اینکه طرف حبس دارند می‌روند، یا طرف کشتارگاه می‌روند! خیال‌کنند دارند طرف منزلشان می‌روند یا طرف جایی می‌روند که عدالت توی آن هست، جایی می‌روند که ظلم در آن نیست، جایی می‌روند که با مردم دوست هست، نه دشمن، اگر این طور شد، دل‌های مردم متوجه می‌شود. مردم زود راضی می‌شوند، مردم نفوس‌شان این طور است که زود راضی می‌شوند. یک نوازش از یک نفر صاحب منصب برای مردم کافی است، که تا مدت‌ها این‌ها دلشان راضی باشد از او» (امام خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۹۹)

بنابراین، یکی از پایه‌های اصلی قدرتمندی، تولید ثروت و پیشرفت هر خانواده و جامعه‌ای، جمعیت و وجود فرزندان آن جامعه است. جمعیت اندک و عدم وجود نیروی جوان در روابط خارجی، قدرت مانور در مقابل دشمنان را کاهش خواهد داد. کشوری با جمعیت پیر و اندک، مورد طمع قدرت‌ها و مستکبرین خواهد بود، لذا موفقیت در سطوح ملی و بین‌المللی و ایستادگی جوامع در برابر ظلم و تجاوز قدرت‌های استکباری، وابسته به گوهر ایمان و عمل جوانان فداکار است؛ از این رو، هر کشوری که از جوانان غیور و پُرانرژی

برخوردار است، دشمنان را از حمله نظامی بازمی‌دارد. از طرف دیگر، جمعیت جوان، مؤمن، اهل کار و خلاق، می‌تواند با نیروی فکری و قوت بدنی خود گام‌های مؤثری در رشد و تعالی خود، خانواده و جامعه بردارد. به همین دلیل «اقتدار ملی» به عنوان سیاست راهبردی کشور از سوی رهبر معظم انقلاب، به این شکل اعلام شده است که فرمود: «امروز سیاست جمهوری اسلامی، عبارت است از اینکه ملت ایران باید خود را قوی کند. اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، به او زور می‌گویند. اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند. اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند. اگر بتوانند، زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد». (بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱) ایشان در جای دیگر «افزایش نسل جوان» را یکی از راه‌های ایجاد اقتدار دانسته و فرمود: «افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، در ایجاد اقتدار خیلی تأثیر دارد». (بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۱۳) و «کشور بدون جمعیت جوان، یعنی کشور بدون ابتکار و پیشرفت و هیجان و شور و شوق؛ بنابراین، برنامه حیاتی تکثیر نسل باید به طور جدی دنبال و پیگیری شود. (بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در جمع مسئولان جمعیت مامایی کشور، ۱۳۹۳/۲/۱۵).

نتیجه‌گیری

امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی، مسئله فرزندآوری و افزایش جمعیت مسلمین می‌باشد که اگر اندکی از این موضوع مهم غافل شویم در آینده‌ای نزدیک دچار پیری جمعیت و افزایش سالمندان را در جامعه اسلامی شاهد خواهیم بود از این جهت بر حاکمیت و نظام اسلامی لازم است برای رفع این مشکل اقدام نمایند و اگر طبق اعلام مسئولین ذی‌ربط، زاد و ولد به همین صورت ادامه یابد خسارت جبران‌ناپذیری در بلندمدت بر پیکره جامعه مسلمین وارد خواهد کرد.

نظرات فقهی مربوط به فرزندآوری به طور قابل توجهی در طول زمان تکامل یافته است، که بازتاب متقابل پویا بین دکرین دینی، هنجارهای فرهنگی و چالش‌های اجتماعی معاصر است. در طول زمان آراء فقهی با تغییر چشم اندازه‌های اجتماعی، اقتصادی و فناوری سازگار

شده و از تمرکز بر کمیت فرزندان به کیفیت زندگی و تربیت تغییر جهت داده است. فقهای صاحب نفوذ هنگام اظهار نظر در مورد فرزندآوری، عوامل مختلفی از جمله ملاحظات اخلاقی، فرهنگی و محیطی را در نظر می‌گیرند. دیدگاه‌های آنها اغلب بر اساس بافت محلی و شرایط حاکم بر تنظیم خانواده شکل می‌گیرد. تغییر محسوسی در اندیشه فقهی به سمت انطباق با پیشرفت‌های پزشکی مدرن، تغییر نقش‌های جنسیتی و عوامل اقتصادی موثر بر تصمیم برای بچه‌دار شدن صورت گرفته است. رابطه بین زاد و ولد و آراء فقهی پیچیده است. حقوق‌دانان غالباً با در نظر گرفتن توانایی والدین در تأمین مادی و معنوی فرزندان خود از تربیت مسئولانه حمایت می‌کنند. شرایط متعددی بر باروری تأثیر می‌گذارد، از جمله عوامل بیولوژیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی، روانی و همچنین پیشرفت‌های پزشکی و فناوری، چهارچوب‌های قانونی و مسائل جهانی. این نتایج بر ماهیت ظریف و چندوجهی دیدگاه‌های فقهی در مورد فرزندآوری تأکید می‌کند و اهمیت در نظر گرفتن طیف وسیعی از عوامل را برای تضمین رفاه نسل‌های آینده در چارچوب اصول دینی و اخلاقی برجسته می‌کند. در شرایطی که تزاید موالید سبب افزایش عظمت، شکوه و اقتدار دنیایی اجتماع مسلمانان گردد، مطابق با حکم عقل و شرع، بر اولویت و مطلوبیت آن افزوده می‌گردد و در پاره‌ای از موارد امکان دارد در قالب احکام حکومتی و به شکل حکم ثانوی حکم و جوب بر آن بارگردد.

اصول اولیه در مسئله فرزندآوری با توجه به دلالت صریح و روشن روایات منقول از معصومین (علیهم‌السلام) در باب فرزندآوری، از مجموع اقوال فقهاء (متأخرین و معاصرین) این نکته به دست می‌آید که: اتفاق فقهاء در این مسئله، استحباب می‌باشد که در موارد بحران جمعیت و آسیب به مذهب تشیع این استحباب، آکد و بلکه لزوم آن بعید نمی‌باشد.

اصول ثانوی در مسئله فرزندآوری که مورد واکاوی و بررسی واقع گردید از مجموع فحوای این اصول مذکور، آنچه به دست می‌آید بر وجوب فرزندآوری دلالت می‌کند؛ البته این وجوب فرزندآوری در شرایط خاص و ویژه توسط حاکم شرع و ولی فقیه به وجود می‌آید. نقش زمان در حکم فرزندآوری موضوعی است که نیاز به دقت و شناخت اقتضائات زمان را دارد، در زمانی شاید فرزندآوری فقط حکمش استحباب بوده، ولی در زمانی دیگر همین استحباب، بنا به تشخیص حاکم شرع و ولی فقیه تبدیل به وجوب خواهد شد.

شرایط سیاسی و امنیتی، بدون تردید یکی از مؤلفه مهم قدرت و اقتدار جامعه اسلامی در عرصه بین‌الملل می‌باشد، با پیشرفت‌هایی که در جنگ‌های مدرن شکل گرفت، برخی به اشتباه افتاده و گمان کردند امروزه دیگر برای حفظ اقتدار دفاعی، نیازی به جمعیت و فرزندآوری نیست، درحالی‌که همین جمعیت جوان و همچنین کثرت نفوس امت اسلامی از مهم‌ترین عقبه این اقتدار نظام اسلامی بوده و این امر مهم به پشتوانه فرزندآوری و ازدیاد فرزند محقق خواهد شد.

در راستای تحقیق انجام شده چند نکته به عنوان پیشنهاد به نظر می‌رسد که ذیلاً به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. به ضرورت الگوسازی فرزندآوری براساس معارف دینی، تجربیات بشری و قوانین جمهوری اسلامی ایران توجه بیشتری شود.
۲. نگاه جامع به مسئله فرزندآوری در طرح‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان، اعم از اقتصادی، فرهنگی و امنیتی... با دقت و سرعت بیشتری مورد توجه قرار گیرد.
۳. تکالیف و وظایف مراکز علمی و پژوهشی و فرهنگی و آموزشی، جهت روشن‌سازی اذهان جامعه از فواید فرزندآوری و عواقب و آسیب‌های تک‌فرزندی مورد توجه و عنایت حاکمیت و مسئولین ذیربط قرار گیرد.

منابع

۱. امام خمینی، سید روح... (۱۴۲۳ق). صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ: ۱۳۹۲/۹/۱۹.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، مورخ: ۱۳۹۱/۵/۳.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مورخ، ۱۳۹۳/۳/۴ ش.
۵. ثمنی، لیلا، فتاحی، سید محسن، شاکری، طوبی. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی حکم فرزندآوری در فقه عامه و امامیه با رویکردی بر مقاصد شریعت. پژوهشنامه مذاهب اسلامی (۹)، ۱۸۱-۲۰۰.
۶. حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷)، رساله نکاحیه، مشهد مقدس، موسسه و ترجمه و نشر علوم و معارف اسلامی، اول، تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۳ق). المفردات فی غریب القرآن، اول، ذوی القربا، قم.
۸. رخشانی، زهرا و گنجی، رضا و کیانی، محمد. (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر بر تمایل به فرزندآوری در زوجین ایرانی، تهران، نهمین همایش دانشجویی بررسی فرهنگ سلامت از منظر قرآن و حدیث.
۹. رهنما، نسرین، امیدفرد، عبدالله. (۱۳۹۴). مبانی فقهی الزام به فرزندآوری، فصلنامه پژوهشهای فقهی، دوره ۱۱، شماره ۳ شماره پیاپی ۳، صص ۶۴۹-۶۷۰.
۱۰. ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش.
۱۱. سلطان محمدی، حسین، سلطان محمدی، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی مبانی فقهی ناظر بر فرزندآوری و تکثیر موالید در فقه شیعه، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی (۴)، ۹۷-۱۲۶.
۱۲. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی، محقق/ مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، تهران.
۱۳. صدر، سید کاظم. (۱۳۷۵). اقتصاد صدر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
۱۴. عراقیان مجرد فرشته، خانی صغری، یعقوبی طاهره، حسنی مقدم صدیقه، جویباری لیلا. (۱۳۹۸). تبیین عوامل موثر بر فرزندآوری در ایران: یک مطالعه متاستز. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۳۳ (۲): ۲۹۱-۳۰۲.

۱۵. قراملکی، علی مظهر، مرتاضی، احمد، و امیرپور، حیدر. (۱۳۸۸). مشروعیت الزام به فرزندآوری در فقه امامیه. فقه و مبانی حقوق اسلامی (مقالات و بررسی‌ها)، (۱)۴۲، ۱۲۵.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). احکام النساء، مدرسه امیرالمومنین (علیه‌السلام)، اول، قم.
۱۷. موسوی، سید حسن. (۱۳۹۷). وجوب فرزندآوری از دریچه فقه، انتشار پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، ۲ (۳)، ۱۰۱-۱۳۵.
۱۸. وطنی، زهرا. (۱۴۰۲). حق فرزندآوری زوجین از دیدگاه فقها با تأکید بر آرای امام خمینی، پژوهشنامه متین، ۲۵ (۱۰۰)، ۱۷۶-۱۴۵.